

بسم الله الرحمن الرحيم

اهمیت سال های اول کودکی در شخصیت

و صحت روانی انسان

انسان فطرتاً مایل به خوشبختی است، گویا آن مقصد نهائی همه تلاش ها و فعالیت های مخلوقات زنده میباشد و آرزوی گمشته هر آدمی است . میان خوشبختی و صحت مندی ارتباط محکم وجود دارد، امنی بدون سلامتی به هیچ وجه ممکن نیست که انسان باسعادت هم آغوش شود .

از آنجائیکه آدمی ، کل ایست هماغه که از آمیزه تن و روان به وجود آمده است، بناً صحت نیزه در نوع است ، یکی هم صحت جسمی و دیگری هم صحت روانی ، پس بدون سلامتی روانی صحت کامل دستیاب نمیشود ، از پیرو صحت روان را در حصول خوشبختی و شادکامی نقش مهم است ، مطلب دیگری که درین رابطه قابل تذکر است همان بستگی سلامتی روان به شخصیت انسان میباشد، شرح مفهوم شخصیت و مسائل مربوط به آن نیاز به بحث مستقل دارد .

باید دانست که در تحمیل شخصیت انسان به اتفاق علمائیت، اخلاق و روانشناسی عامل توراث ، تربیت و محیط رول و اثر دارد، محیط شامل خانواده، مدرسه و اجتماع میفرد، تفصیلش آنکه ، حیوانات دارای قدرت انتخاب نمیشوند، نحوه رفتار ، واکنش و عادات شان بیشتر توسط امیال طبیعی و غرایز کنترل میفرد به انتخاب و یا تصمیم خود شان نمیتوانند در خود تغییر بیاورند، اما برخلاف انسان میتواند با قدرت انتخاب خود، روش معین زندگی و تیپ خاص شخصیت را تا حدی کسب بدارد ، همچنان بیشتر رفتارهای خود را از محیط یاد میگیرد و با اینحال انسان قابل تربیت است. روان و ذهن کودک فقط مجهز به استعداد های فطری است ولی تحقق یافتن این استعدادهای و تشکل بالفعل آن با تربیت و محیط مربوط است ، بطور مثال انسان در کودکی استعداد تکلم کردن را دارد اما اینکه عملاً با چه زبانی حرف زدن را آغاز میکند مربوط به محیط خانواده و اجتماع اش میباشد .

بشر تا حدود ۴ سالگی برای تحول و تکامل آمادگی بیشتر دارد، هر قدر که سن بیشتر میشود استعداد تحول پذیری و تکامل کثر میشود ، از پیرو ، کودک تا هنوز شخصیت اش فعلیت نیافته و شکل نگرفته است و از هر زمان دیگر برای قبول تغییرات پذیرا تر میباشد . گویا از همان لحظه ای که کودک به دنیا می آید لوح سپید ذهنش

باخطوطی آخازیه نقش پذیری میکند، صر انسان به دوره های مختلف مانند کودکی ، پلرغ ، جوانی ، کهنسال وپیری تقسیم میگردد وکودکی خود به دوره های نوزادی ، شیر خوارگی ، دوره کودکستان ودهستان قست میشود. از لحاظ چگونگی تشکیل شخصیت ، دوران کودکی نسبت به هر زمان دیگر و دوره شیر خوارگی و کودکستان نسبت به هر دوره دیگر کودکی با اهمیت تر است ، چه درین دوره است که بنیاد شخصیت انسان گذاشته میشود وخشت اول بنای شخصیت آدمی نهاده میگردد ، این دوره اخیر زندگی تقریباً از ولادت تا ختم پنج سالگی میباشد . ارزش این دوره بحدی است که دران اساس شخصیت گذاشته میشود، این مرحله به اسم مرحله کودکستانی یاد میشود .

بعد از توارث ، دومین عامل موثر در دوره سابق الذکر محیط خانواده و وضع کودک با این محیط است ، فی المثل اینکه آیا والدین هر دو حیات میباشند، یا یکی و یاهر دوی شان وفات کرده اند و یا کودک از ایشان محروم میباشد، اینکه آیا اوتنها فرزند خانواده است یا یگانه پسری است که پس از چند دختر ویا یگانه دختری است که پس از چند پسر بدنیا آمده است؟ روابط والدین یا یکدیگر نحوه برخورد شان با فرزندان ، طرز رفتارشان ، شخصیت شان، عادات شان و... اینها همه بالای طفل تاثیر دارد خانواده و خاصاً والدین به طرق مختلف بالای چگونگی شکل یافتن شخصیت کودک تاثیر میکنند این طرق متفاوت میباشد فی المثل اگر والدین دارای شخصیت و رفتار سالم نباشد بناً کودک نیز مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر والدین قرار میگیرد وهمانگونه شخصیت و رفتار را یاد میگیرد و کسب میکند ، گویا کودک ، نمونه های رفتار را از پدر و مادر می آموزد اما نمونه های مذکور غیر سالم و مرضی میباشد ، پس به این ترتیب خشت های اول بناً شخصیت و رفتار طفل به صورت غلط گذاشته میشود و تصحیح این نادرستی به دشواری صورت میگیرد چه بسا که این اختلال رفتار وشخصیت نسلها ادامه یابد بدون اینکه عامل توارث دران رول داشته باشد، بلکه اساساً علت آن یاد گیری است وتصحیح آن گاه نیازمند به تدایر روانی همه متعلقین آن خانواده میباشد، از آن جانبکه کودک نیاز به دریافت توجه و صحبت از سوی پدر ومادر دارد بناً مرگ يك یاهر دوی والدین وجدانی کودک از يك یا هر دوی شان ، اثرات رنج آوری بر زندگی کودک بجای میگذارد همچنان هرگاه در خانواده چنان وضعیت پیش آید که نیازمندیهای روانی کودک ، برجه کافی تامین نشود در آنصورت نیز شخصیت طفل متاثر میشود و در جوانی احتمال اینکه شکار ابتلا به بیماری ها روانی گردد زیاد میباشد همچنان اگر پدر

ومادر نسبت به کودکان خود رفتار تبعیضی روا ندارد و بعضی را بر بعضی دیگر بیش از حد منطقی و بدون دلیل موجه ترجیح بدهند نیز باعث پرتولید عقده ها خواهد گردید، تحقیر طفل محروم ساختنش از حد مورد نیاز بازی، طفل را برای اختلالات رفتاری و روانی آسیب پذیر میگرداند.

از همه مهتر نحوه تشویق و تنبیهی است که از سوی والدین ابراز میشود اگر والدین با خشونت رفتار کنند و کودک را از تشویق و محبت محروم بسازند یعنی طفل را فقط همواره تحت فشار و تنبیه قرار بدهند در آن صورت نه تنها بنیاد شخصیت طفل کج نهاد میشود بلکه ملامت کودک را دچار بیماریهای روانی میسازد، درینصورت طفل اعتماد بنفس را کسب نمیکند، جرات را از دست میدهد، کم رو و محبوب میشود و اغلب دچار تردید و دودلی میگردد. این کودکان جوانی پرجنبی را سهری میکنند و عصبی بهاری آیند و اگر مریض از جنس دختر باشد به علت خلأ عاطفی ای که در قلب خود احساس میکند، خیلی محتمل به نظرمی آید که در جوانی شکار محبت های قلابی ای شود که از سوی برخی مردان استفاده چو ابراز میگردد.

هرگاه این تنبیه بصورت لت کردن باشد در آنصورت لت خیل زشت و ناپسند میباشد زیرا لت کردن کودک تا قبل از ده سالگی برخلاف دین، عقل و علم تربیت است، چنانچه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم کودک را فقط در سن ده سالگی آنهم در صورتیکه بعد از یک دوره مقدماتی ده سالگی از ادای نماز سر باز زده باشد اجازه میدهد که در حد تادیب لت شود البته به این شرط که از هفت سالگی به بعد زیر تعلیم و دستور نماز قرار گرفته باشد و تا این سن ده سالگی فقط صرفاً تهدید کردن لفظی (اخطار به لت کردن) یا تازیانه ای که درد پوراویخته باشد) مجاز است و بس، البته باکپ نهاندن کودک و یا سخن او را از کاری خلاف باز داشتن پسندیده است چنانچه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم دست کودکی را که از کناره دورتر کاسه از حصه دیگری غذا میخورد، برداشت و بر بالای کناره مربوط به خود آن طفل گذاشت تا ملامت ادب غذا خوردن را بیاموزد و یا طفل را که جوجه یک کنجشک را از آشپانه اش گرفته بود و داشت تا آنرا دوباره در لانه اش بگذارد، البته تنها تشویق کردن بی جای نیز کودک را فاسد میکند و از او شخص نازپرور بیار می آورد، نازپرورد، در صحنه زندگی شکست میخورد و چه بسا که در صورت مواجهه به مشکلات دست به انتحار میزند و مبتلا به بیماریهای روانی میگردد، زیرا طفل ناز پرورد، از محیط و اجتماع همان توقع را دارد که از پدر و مادر خویش داشته است چون اجتماع حاضر نیست که مانند پدر و مادرش او را بنوازند بنا از محیط خشمگین میشود و روابط اش

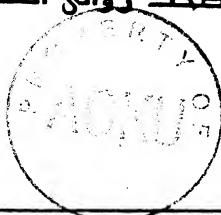


دولت اسلامی افغانستان

وزارت صحت عامه

۱۰۰

اهمیت سال های اول کودکی در شخصیت
و صحت روانی انسان



نگارش و ترتیب از: دکتر عبدالحی

همکاران:

اختر محمد بزم

حیات الله پوپل

سعود پوپل

از سند نشرات: آمریت نشرات و تعلیمات صحت ریاست انستیتوت صحت عامه

سال ۱۳۷۰:۵

به امرجنسی باشد و از جریان هم افغوشی مطلع گردند جدا اجتناب کنند در غیر آن اثرات نامطلوبی را بروحیات کودک بجا خواهد گذاشت .

کودک نیاز دارد تا از فضایی آرام آغوش محیط خانواده بهره مند باشد تا آهسته آهسته به رشد روانی خود ادامه بدهد این در صورتی تحقق پیدا میکند که روابط زوجین سالم باشد و خانواده مملو از صمیمیت ، صلح و صدا باشد . پس هر نوع وجود ناراحتی در فرامیل و موجودیت هر نوع دعوا و مشاجره در میان زن و شوهر ، آرامش محیط خانواده را به هم میزنند و کودک را در شرایط هیجان برانگیز ، نگران کننده و تشویش آور قرار میدهد و مانع از آن میشود که کودک روش صحیح زندگی را یاد بگیرد . از اینرو اختلال روابط زن و شوهر و موجودیت فضایی تشنج در خانواده سلامتی را از روان طفل باز میگیرد و او را مبتلا به اختلالات روانی میسازد .

در اخیر باید گفت که شرایط دشوار و ناگوار دوران پنج سال اول زندگی نه تنها کودک را در اوان جوانی آماده اختلالات روانی میسازد بلکه احتمال دارد که بالغی و در شرایط خاص نیز کودک را بیمار بسازد . اطفال دارای انواع معین بیماریهای روانی شده میتوانند ، امروز بخش سایکیاتری اطفال یک ساحه تخصصی درین رشته میباشد از جمله بیماریهای شایع در اوان کودکی ، ترسهای مرضی فوبیا (Phobia) مانند ترس از تاریکی ، ترس از تنهایی ، ترس از آب ، ترس از فضای بسته ، ترس از حشرات و همچنان کابوس شبانه (Nightmarres) و ترس شبانه (Nightterror) و سواس ، خیالبافی ، درون گرایی طفلانه Autisme و غیر آنها میباشد .

قابل تذکر است که افراط مادر ها در مراقبت وضع نظافت اطفال بر بالای رفتار و شخصیت کودک تاثیر منفی میکند و سبب میشود که در آینده دارای خوی و شخصیت وسواسی شود ، فی الثل بالینکه بار هادست خود را بشوید باز هم چنین شخصی از پاکیزه شدن مطمئن نیگردد و عمل شستن را بطور غیر عادی بار بار تکرار میکند .

همچنان حمایت بیش از حد والدین از کودک و مراقبت افراطی و مبالغه آمیز از طفل سبب میشود که آن کودک متکی و چسبیده به والدین ببار آید در آن صورت نمیتواند اندک زمانی هم از مادرش دور باشد آن گاه داخل کردن آن کودک به مدرسه و مکتب دشوار میباشد زیرا کودک مذکور از رفتن بجایی که مادرش یا پدرش با او میباشد — کودک مذکور از رفتن بجایی که مادرش دور باشد آن گاه داخل کردن آن کودک به مدرسه و مکتب دشوار میباشد ، کودک مذکور از رفتن بجایی که مادرش یا پدرش با او میباشد — باشد سخت خودداری میکند اینکار اکثراً در خانواده هایی که فرزند دارند و یا خطر اختطاف شان توسط دشمنان متصور است معمول میباشد

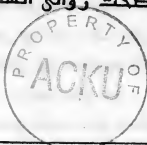


دولت اسلامی افغانستان

وزارت صحت عامه

(۱۰۰)

اهمیت سال های اول کودکی در شخصیت
و صحت روانی انسان



نگارش و ترتیب از: دکتر عبدالحی

همکاران:

اختر محمد زامد

حیات الله پوپل

سعود پوپل

از سند نشرات: آمار نشرات و تبلیغات کمی ریاست انستیتوت صحت عامه

سال ۱۳۷۰:۱